

یادداشت‌هایی بر تحولات اخیر

در سرمقاله حقیقت شماره ۲۵ که قبل از قیام بهمین ماه نوشتیم یافت نوشتیم که: " مبارزه طبقاتی در ایران، رفته رفته بیک حالت تعادل ناپایدار رسیده است. این در وجه تعادل ناپایدار نیروهای مردم و ضد خلق که از هم اکنون آغاز گشته است و مسلماً بسا کشمکشها و سازشها، رود ریزی و مصالحه، نبرد خونین و حماسه انگیز مردم و اشقی طلبی های " رهبران " نامدتی همچنان ادامه خواهد یافت، نتیجه ناتوانی اشکار هر یک از این نیروها بدو شکستن قطعی و نهائی ارد و گاه مقابل است."

در همان هنگام که این سطور را مینوشتیم و جریان کاملاً متضاد در ایران شکل میگرفت. از یکسو مداخلات مصالحه آمیز میان آقای مهندس سبزوکار و دولت شاه پور بختیار و سران ارتش بود و از سوی دیگر شدت یافتن سرپیچ تضاد هائیکه جنبش مردم را به مقابله اشکار و خونین با ضد خلق فرامیخواند.

ضربات شکننده و مکرری که جنبش توده های مردم ایران در طی یکسال گذشته بر بیکر ضد خلق و امپریالیستهای امریکائی وارد آورد، بود، ارتجاع ایران و اربابان امپریالیستش را از سنگری بسنگرد یگری عقب نشاند. بود. از اوائل بهمین اشکار بود که ارتجاع ایران و امپریالیستهای امریکائی بشرط حفظ کنترل خویش بر نیروهای نظامی که ضامن حفظ نفوذ سیاسی آنان و ابزار اصلی تعرض متقابل آنان در آیند، به حساب میامد و نیز توافق بر حفظ برخی از امتیازات مهم اقتصادیشان، به عقب نشینی دیگری نیز تن خواهند داد. این عقب نشینی آخر، عقب نشینی از سنگر قانون اساسی و تن دادن بتخیر شکل رژیم حاکم بر ایران بود.

مداخلات مصالحه آمیز میان آقای مهندس سبزوکار و اشرافیان نشان ود دولت شاه پور بختیار و سران ارتش بدو رجگونی این تغییر وحدت و میزبان کنترل هر یک از آنان در زمینه های مختلف، بویژه بر نیروهای نظامی، در ور میزد.

بیشتر این مداخلات که رفته رفته در گفتار سخنگوییان مختلف طرفین منعکس گردید نشان نزدیکی تحقق مصالحه ای بود که میبایستی انقلاب را در نیمه راه متوقف سازد. برای مثال جیمز کاشنارس کاخ سفید واشینگتن در امور ایران در ۱۶ بهمین اعلام نمود: " امریکا باید با بیت اله همکاری کند تا نظراتش را که در هه سال است برای آن مبارزه خستگی ناپذیر نموده است جا عمل بیوشاند. امریکا میتواند افسران ارتش ایران را که ممکن است به بهانه عدم مداخله ارتش در سیاست، در همان موضع قبلی بمانند، تشویق بسازد تا با خمینی بنماید."

با توجه بموضع قاطع حضرت آیت اله خمینی در مورد رژیم سلطنتی پهلوی، کاملاً اشکار است که اشاره جیمز کاشنارس به همکاری امریکا با ایشان " تا نظراتش را که در هه سال برای آن مبارزه خستگی ناپذیر نموده است جا عمل بیوشاند " بجه معنی است. هم چنین تشویق افسران ارتش بعد ول از " موضع قبلی "، که همان موضع وفاداری بر رژیم سلطنتی بود، نیز معنایی جز اماد شدن امریکا برای تن دادن بتخیر شکل رژیم حاکم بر ایران نمیداد.

از سوی دیگر مجله تام در همان هنگام در مورد نرسر آقای مهندس سبزوکار و اطرافیان نشان در مورد امریکا نوشت: " مهدی بازگان به شخصیتهای دولتی امریکا گفته است که برقراری روابط حسنه با امریکا مطمئناً امتان دارد. " و اخیراً آقای احمد صد رحاج سید جواد ی، وزیر کشور و دولت موقت آقای بازگان، که در مداخلات باد دولت شاه پور بختیار شرکت داشته است فاش ساخت که حتی استعفا نامه شاه پور بختیار تهیه شده بود، است. ایشان در مصاحبه خویش در این مورد میگویند: " چون بختیار را انجام مهم ترین شرط نخست وزیریش، یعنی بیرون فرستادن شاه موفق شد، بود و ما فکر میکردیم در مسیر خواست مردم گام بر میدارد، طرحی بنظرمان رسید با این صورت که بختیار بخدمت امام برسد و استعفا ی خود را تقدیم کند و امام هم موقتاً اداره امور را بخواست او واگذارد. " متن استعفا را برایش فرستادیم و او پس از دستکارن هایی بیخط خود که عین آن نزد من است انرا فرستاد و موافقت شد. " (مصاحبه آقای صد رحاج سید جواد ی در روزنامه کیهان ۱۳ اسفند)

چنانچه از نقل قولهای فوق بر میآید، مصالحه ای که قبیل از قیام بهمین ماه میان آقای بازگان و اشرافیان سبزوکار و دولت شاه پور بختیار و سران ارتش از طرف دیگر در شرف تحقق بود است. تخیرات سیاسی را اساساً بتخیر شکل رژیم سلطنتی محدود می ساخته است و حتی اداره امور دولتی را در دست کابینه شاه پور بختیار باقی میگذارد. است. این نکته آخره فقط از نقل قول فوق از مصاحبه وزیر کشور و دولت موقت آقای بازگان کاملاً مشهود است، بلکه همچنین سرچرا در بیان متن استعفا نامه دولت شاه پور بختیار که مورد توافق طرفین قرار گرفته است ذکر کردید " است. در بیان این استعفا نامه چنین میخوانیم: " لذ این دولت استعفا ی خود را به پیشگاه ملت عزیز ایران بر میری امام خمینی تقدیم میدارد و با توجه بخدماتی که این دولت در عمر بسیار کوتاه

خواستهای ما

کارگران پیشرو و آگاه ایران با دربر آموزی از تجارب هفتاد سال شکست طبقه کارگر ایران در کسب قدرت سیاسی وهم چنین با دربر آموزی از تجارب موفق و شکست خورده پرولتاریای دیگر کشورهای جهان بخوبی دریافته اند که دیگر این بار نمیبایست فریب شعارهای عوام فریبانه و مزورانه "دمکراسی برای همه" و "آزادی برای همه" که از جانب بورژوازی متوسط و نمایندگان سیاسی این هجداد مطرح میشود را بخورد. کارگران آگاه بخوبی درک میکنند که میهن ما به طبقات مختلفی که هر یک دارای منافع اقتصادی متفاوت و گاه متضادند تقسیم شده و بنا بر این دمکراسی، آزادی و بهبود وضع اقتصادی که از جانب نمایندگان سیاسی اشرار و طبقات مختلف مطرح میشود نمیتواند با یکدیگر متفاوت و حتی متضاد نباشند. بنا بر این طبقه کارگر ایران بجای دنباله روی از برنامه های نیم بند و اصلاح طلبانه بورژوازی میبایست برنامه مستقل خویش را که انقلابی ترین و پیگیرترین برنامه برای دمکراتیزه کردن سیستم موجود است پیش نهاده و اکثریت خلق را که همانا زحمتکشان میهن ما باشند بگرد برنامه خویش متحد و هم رأی نماید. کارگران پیشرو و آگاه ایران هم چنین بخوبی درک میکنند که بعلت عقب ماندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میهن ما، شرایط عینی و در نتیجه شرایط ذهنی برای برقراری فوری جموری سوسیالیستی آماده نیست و در نتیجه بخوبی درک میکنند که برقراری و ایجاد "جموری دمکراتیک مردم ایران" بعنوان پیش شرط و اولین گام بسوی جموری سوسیالیستی ضرورتی - تاریخی است. "جموری دمکراتیک مردم ایران" یعنی چه و طرفداران این جموری چه میخواهند؟

۱- ملخی ساختن رژیم سلطنتی و جایگزینی آن بایک جموری دمکراتیک خلق بر اساس آزادی بیان، آزادی - اجتماعات، آزادی ایجاد انجمنها و سازمانهای صنفی و سیاسی و آزادی احزاب، آزادی مطبوعات، آزادی وجدان (اعتقاد به مذاهب مختلف، یا عدم اعتقاد به مذهب)، آزادی زنان و تساوی کامل حقوق زن و مرد، رفع ستمهای اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی از زندگی ملتای مختلف ایران و برسمیت شناختن حق خلقهای مختلف ایران در تعیین سرنوشت خویش.

۲- برجیدن و انحلال کامل کلیه نیروهای نظامی و پلیسی رژیم سلطنتی، ارتش، پلیس و ژاندارمری و ایجاد نیروهای نظامی ملی و دمکراتیک از افراد انقلابی و اوطب، نیروهای انقلابی و سربازان، همگرا و افسران فعالان در جنبش انقلابی ایران شرکت داشته اند. برسمیت شناختن کلیه آزادیها، دمکراتیک برای نظامیان، از جمله حق تشکیل اتحادیه ها و سوراها، سربازان، همگرا و افسران و نظارت آنان بر امور ارتش و دیگر نیروهای نظامی و نشر کتشان در انتخاب فرماندهان و برخورداری کلیه نظامیان از حق آزادی بیان و تبلیغات و آزادی اعتصاب و عضویت در احزاب سیاسی. ایجاد یک میلیون توده های از مردم - مسلح تحت نظر سازمانهای انقلابی و برسمیت شناختن حق حمل سلاح و ترمین نظامی برای کلیه افراد بالاتر از ۱۶ سال.

انحلال کامل سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) رکن دوم ستاد ارتش و بازرسی ستاد ارتش، و رسیدگی به جنایات رؤسا و کارکنان آنها در دادگاههای علنی خلقی، چاپ اسامی و مشخصات کامل اعضای آنها و استرداد کلیه پرونده های میهن پرستان در این سازمان به صاحبان آنها تحت نظر مستقیم مجامع حقوقی ذیصلاحیت نظیر کانون وکلا.

۳- تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی جموری دمکراتیک مردم ایران، و ملخی ساختن کلیه قوانین و لوایح ضد ملی و ضد دمکراتیک هه ساله اخیر نظیر قانون سیاه ۱۳۱۰

۴- تجدید نظر اساسی در کلیه قوانین قضائی ایران، سازماندهی مجدد قوه قضائیه و محاکمه کلیه متجاوزین به حقوق مردم در طی ۵۰ سال حکومت پهلوی و تمامی جنایتکاران و دشمنان آزادی ایران و در رأس همه، اعضای خاندان پهلوی، اعضای دولت های دوره کودتا و انقلاب سنجید، امرای ارتش، پلیس، ژاندارمری، ساواک، رکن دو، بازرسی شاهنشاهی، رؤسا و نمایندگان مجلسین، مدیران عامل شرکت نفت، و عصادره کلیه اموال آنان به نفع مردم ایران.

۵- اخراج کلیه مستشاران امریکائی و دیگر کشورهای امپریالیستی، از جمله مستشاران روسی.

۶- خروج از کلیه پیمانهای نظامی اسارتی و امپریالیستی، نظیر سنتو، خارپ ساختن بقایای ارتش ایران از عمان و بیروت و همبستگی و همکاری و کمک به کلیه نهضت های کارگری و جنبشهای آزادی بخش جهان، بویژه جنبش فلسطین و عمان و اریتره و پیروی از یک سیاست ملی و ضد امپریالیستی خارجی.

۷- مصادره و ملی کردن کلیه بانکها و سرمایه های خارجی و سرمایه های بزرگ و وابسته به امپریالیسم به نفع

دفاع از خواستهای دمکراتیک و ملی خلق کرد

یکی از مهمترین مسائل مربوط به استقرار دمکراسی در ایران، مسئله ی حقوق ملی و دمکراتیک خلقهای تحت ستم ایران است. این مسئله با رشد و شکوفایی نهضت انقلابی دمکراتیک و استقلال طلبانه مردم ایران و با پیشگامی خلق دلیر کرد مجدداً به یکی از مهمترین مسائل روز جنبش مبدل گردیده است و اظهار نظر ها و برخورد های متفاوتی را از جانب نیروهای مختلف سیاسی برانگیخته است.

خلقهای تحت ستم ایران از سالها پیش تحت گرانبار - ترین ستمهای اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی زندگی نموده - اند و مسئله حقوق دمکراتیک و ملی آنها، مواعقی که خود به حرکت مستقلانه ای جهت کسب این حقوق قیام نمودند، متأسفانه کمتر در نهضت های مترقی ایران مورد توجه قرار گرفته است. پایمال کردن کلیه حقوق سیاسی و سرکوب خونین نهضت های دمکراتیک آنان، محروم داشتن آنان از ترویج و رشد فرهنگهای غنی خویش تا حد جلوگیری از آموزش زبان مادریشان، و بالاخره چپاول و غارت ثروت های طبیعی سرزمینهای مادری آنان و عقب نگه داشتن اقتصادی این سرزمینها، ارکان اصلی سیاستهای رژیم مزدور و ضد دمکراتیک پهلوی در پیشاز ۵۰ سال حکومت ننگین این خاندان در مورد مسئله خلقها بوده است.

اعمال این ستمهای گرانبار ملی در کلیه زمینه ها بسر خلقهای مختلف تحت ستم ایران چنان از دیدگاه ارتجاع ایران "طبیعی" به نظر میرسد که حتی در اواخر دوران رژیم سلطنتی، یعنی در هنگام روی کار آمدن کابینه شاه پور بختیار، که رژیم سراسیمه در زمینه های مختلف به عقب نشینی در برابر خواستهای دمکراتیک مردم مشغول بود، حمله به حقوق ملت های تحت ستم ایران همچنان با شدت دنبال میگردد. تا آنجا که شاه پور بختیار در اولین نطق خویش که به مسامت قبول نخست وزیری شاه ایراد نمود، مستقیماً "به کسانی که از خلقهای ایران صحبت میکنند" حمله نمود و بدین ترتیب ادامه سیاستهای ستمگرانه و خونین گذشته را در مورد خلقهای تحت ستم ایران و مبارزات دمکراتیک و ملی آنان اعلام نمود.

اما نه سیاستهای سرکوبگرانه گذشته و تهدید های - شاه پور بختیار و نه برجسب "تجزیه طلبی" بعدی از جانب دیگر نیروها، هیچ یک تأثیری در آزاده پولادین خلقهای تحت ستم ایران در پیگیری مبارزات دلیرانه خویش در راه احقاق حقوق دمکراتیک و ملی شان نگذاشت. و مبارزات شگرف همند خلق دلیر کرد آغاز دوره نهینی از اعتلای بیداری و نهضت ملی و دمکراتیک خلقهای تحت ستم ایران را اعلام نمود.

هوشیاری و نیروی لایزال زحمتکشان کرد نه فقط سیسه مای خونین ارتش شاهنشاهی و مرتجعین مجلسی را در سرکوب نظامی نهضت دلاورانه اش پاسداری دندان شکنی گفت، بلکه توطئه کلیه کسانی که با مهر "تجزیه طلبی" برای منفرد ساختن این نهضت مقدس تلاش می نمودند را نیز خنثی نمود. خلق قهرمان کرد با صراحت تمام اعلام نمود که نه خواهان تجزیه ایران، بلکه خواستار خود مختاری در چهارچوب تعامیت ارضی ایران است و خود را جزء جدائی ناپذیری از پیکر انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی کلیه خلقهای مستعده ایران میداند. خلق دلاور کرد بسا روشن بینی خاصی اعلام نمود که در عین مبارزه در راه تحقق خواستهای دمکراتیک و ملی عموم مردم ایران، خواهان از میان برداشتن ریشه ستم ملی در کلیه زمینه - های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از زندگی ملت کرد، خواهان برخورداری از حق تعیین سرنوشت خویش، خواهان استفاده از ثروت های طبیعی کردستان برای رشد و انکشاف اقتصادی سرزمین خویش، خواهان اشاعه و رشد فرهنگ، غنی و مترقی ملت کرد و برسمیت شناخته شدن زبان کردی بعنوان زبان رسمی کردستان، خواهان زمین برای دهقانان و زمین و کار برای خوش نشینان کرد و... میباید و در مبارزه بخاطر کسب این حقوق اولیه ملی و دمکراتیک نه از نیروهای نظامی و قداره بندان و مرتجعین بومی و نه از برجسبهای "تجزیه طلبی" و نظایر آنها امید گونه سراسی را به خویش راه نمیدهد.

با شکست عملیات توطئه آمیز و سرکوبگرانه نیروهای نظامی و مرتجعین بومی و خنثی شدن توطئه های که برای التوده ساختن جنبش مقدس خلق کرد صورت گرفتند، توطئه های رنگارنگ دیگری، چه از جانب نیروهای ارتجاعی و وابسته به رژیم سلطنتی و چه از جانب برخی دیگر از نیروها، بر علیه نهضت دمکراتیک و ملی مردم کردستان به اجرا درآمد مانند که هدفی جز ایجاد تفرقه در درون - جنبش و سرکوب نهائی آن دنبال نمیکند. کوشش برای تقویت برخی از دستجات سیاسی و تقویت برخی از شخصیت های منززل و نا پیگیر بعنوان رهبران جنبش خلق کرد، از جمله این دسائس ضد ملی و ضد دمکراتیک اند که مسلماً با هوشیاری و پیگیری بی نظیر خلق دلیر کرد در نطفه خفه خواهند شد.

ما ضمن اعلام همبستگی و پشتیبانی کامل خویش از

**آهنگ و آواز است که بعد از این نیز همراه و همگام سایر احاد و افراد ملت بتوانند بقیه راه طولانی موفقیت را بیامیزد.** (همانجا)

**آقای احمد صد رحاج سید جواد** در مصاحبه می‌گوید: «مصدق به عنوان یکی از محاسن این طرح "حفظ کلیه اربابان قدرت رژیم پهلوی بهمان شکل سابق" اشاره نمود و می‌گوید: "واحد های ارتش و ژاندارمری و شهربانی و گدازنی سپاه است نخورد و بسا قی میماند. ساواک و بسیاری بیرون و هاک نمیشد و شیرازه مملکت از هم نمی‌پاشد." (همانجا)

ابعاد سازش میان نیروهای در حال ماند اگر چه راجحین گسترده بود. اما قیام بهمین ماه تهران بسیاری از این محاسبات را بر سر هم زد. بنا بر آنچه رمت کاملاً مشخص است که آنچه بنا بر بختیاری و آقای مهندس سبازگان در رمد اکران قبل از قیام مسلحانه تهران از یکدیگر متمایز می‌ساختند تفاوتها بر سر تغییر شکل رژیم، بلکه نیروهای حامی و پایتخت همای قدرت کاملاً متفاوت هریک بسود. بنا بر بختیاری حمایت امریالیستهای امریکائی و از یکجا که قدرت نیروهای مسلح شاهنشاهی و مهندس سبازگان با حمایت خرد و بورژوازی مرفه مسلط بر جنبش و از یکجا که قدرت جنبش توده های وارد بند اگر چه مصالحه گردیده بودند. قیام بهمین ماه تهران نتیجه تضاد کاملاً مشخص است و قیام در ویا یگانه قدرت بود که علیرغم خواست رهبری جنبش و نیروهای در حال ماند اگر چه مصالحه صورت گرفت.

با آنکه قیام مسلحانه مردم و نیروهای انقلابی ضربات جادوانه ای بر دیگر نیروهای نظامی رژیم وارد آورد، با این حال نیروزی این قیام بیشتر نتیجه مبارزات توده های یکساله اخیر که باعث تضعیف شدیدی نیروهای دشمن و رشد تضاد های درونی آن و شکاف عمیق در میان نیروهای مسلح گردیده بود و نیز وجود توافقات اساسی و درونمای مصالحه کامل میان آقای سبازگان و طرفدارانشان و نیروهای مقابل بود تا کیفیت سازمانی و قدرت اثر قیام این نکته به هیچ وجه بمعنای کم بها نمودن قیام انقلابی مزبور و اهمیت تاریخی آن نباید تفسیر گردد. در غرض از آنکه کار این واقعیت است که در شرایط نقد آن و مشروط فوق که یکی بضعف شدید نیروهای در دشمن و دیگری بوجود چشم انداز دستیابی بین مصالحه بین این نیروها و بورژوازی متوسط مربوط میگردد. قیام در ویا یگانه قیام سازمانی و قدرت اثری که در اختیار داشت غیر ممکن میبوی قیام بهمین ماه تهران دارای یکسری تاثیرات و نتایج کوتاه مدت و دراز مدت بود. برخی از نتایج این قیام، نظیر تقویت بیشتر نیروهای کمونیستی و انقلابی ایران بویژه از لحاظ ارتقاء و جبهه آنان در میان توده های مردم، جا افتادن و روشن تر شدن اهمیت مبارزات مسلحانه توده های و نقش آن در بین مردم و بوجود آمدن نطفه های اولیه قدرت مسلح مردم که متأسفانه به علت سیاستهای نادرست دولت موقت امتنان نشد بعد نیافت، از جمله نتایج بود که بیشتر دارای اهمیت دراز مدت بود و تا ثیر بلا واسطه ای در مسیر تحولات فوری جامعه نداشته است. از لحاظ کوتاه مدت، در کنار تاثیر قاطع قیام در درهم شکستن توطئه های فاشیستی ترین و هارترین باند های نیروهای نظامی، نتیجه اصلی، بلا واسطه و کوتاه مدت قیام انقلابی بهمین ماه به تقویت موقعیت بورژوازی متوسط ایران خلاصه میگردد.

ضربه اصلی مبارزات یکساله اخیر که با قیام بهمین ماه تهران و برخی از شهرستانها یکدوره مهم خود را پشت سر گذارد، بر سر بیکر سرمایه اری وابسته بورژوازی تیک وارد آمد. اما متأسفانه بخشهای مهمی از سرمایه وابسته، بویژه بخش خصوصی آن، علیرغم تحمل ضرباتی، اساساً دست نخورد و باقی ماند و همین بخش بود که پس از قیام مسلحانه بهمین ماه تهران، در ترکیب قدرت حاکمه سیاسی و در دولت موقت شرکت جست. دولت موقت در واقع از یکسو نتیجه مبارزات یکساله و قیام و از سوی دیگر نتیجه مذاکرات و سازشی بود که از قبل از قیام آغاز گردیده بود و بدین ترتیب در رابطه ای مقاله مختصراً اشاره کردیم، با این تفاوت که در اثر قیام بهمین ماه، بورژوازی متوسط ایران و نمایندگان سیاسی اش از موضع برتری در دولت موقت شرکت جست و در دست کم موقتا، از یک موضع مسلط در آن برخوردار شدند.

پس از قیام، بورژوازی متوسط ایران بد رجعی که موجودیت بیخ خویش را تثبیت شده میبافت، تلاش برای خاموش کردن مبارزات مردم و تعدیل دستاوردهای آن آغاز نمود و دولت آقای سبازگان در تکرار همه آزمونهای نظیر تاریخی، اولین ماده از دستور کار خویش را خلق سلاح مردم و نیروهای انقلابی و بسیج و سازماندهی مجدد ارتش شاهنشاهی قرار داد. با این تفاوت که با تحویض چند مهره، نام آنرا به "ارتش ملی - اسلامی" تغییر دادند. متحدین های دولت موقت تیک جامعه و حوزه عملکرد آنها توسط دولت موقت، بلافاصله دامان کلیه کمیته ها، شوراهای و اتحادیه ها و کانونهای که مبارزات مردم را بر علیه رژیم سلطنتی پهلوی هدایت نموده بودند در گرفت و موقتاً اقتدار و طبقات مختلف را در برابر این اقدامات برانگیخت.

بدین ترتیب بورژوازی متوسط ایران از یکسویه تثبیت موقعیت خویش در قدرت و ولتی و گسترش آن از دست رفتن کابینه به نفوذ در نیروهای مسلح برداخته و از سوی دیگر با استفاد از حمایت بیدریغ خرد بورژوازی مرفه مسلط بر جنبش وادامه تئاسف بار ضعف و برانگیختگی جنبش کمونیستی و انقلابی ایران و جدائی آنها از توده مردم، برای تخفیف شدت برخورد های طبقاتی در ایران خوابانیدن جنبش مردم و متوقف ساختن انقلاب در موقت تیک و استقلال طلبانه ایران در زمینه راه تکامل خویش بتلاش برداخت.

دولت موقت آقای سبازگان بخلص خود را در دولت انقلابی مینامد. این دولت، بنا بر ماهیت طبقاتی خویش و بطن همین تجسریات بدست آمد و از درون حکومتش نه میخاهد و نه میتواند که انقلاب در موقت تیک و ضد امپریالیستی ایران را بسر انجام خویش برساند. برعکس، نقش اصلی و رسالت طبقاتی این دولت محدود ساختن تحول جامعه به برخی اصلاحات بورژوازی و متوقف ساختن انقلاب ایران در زمینه راه بورژوازی است. از اینرو، سؤال اصلی جامعه و نهضت مردم ایران در شرایط کنونی، ادامه انقلاب تا بورژوازی نهائی بر ارتجاع و امپریالیسم یا متوقف شدن و بسند کردن به برخی اصلاحات بورژوازی است.

تضاد های اساسی جامعه ایران هنوز تغییر نیافته اند. هنوز توده زحمتکش ایران در برابر یک نظام ارتجاعی و وابسته و تلاش مدافعین این نظام برای حفظ اساسهای آن و تدارک بخاطر پس گرفتن مواضع از دست رفته شان قرار دارد. دولت آقای سبازگان با قرار گرفتن در میان دو قطب اصلی جامعه، یعنی زحمتکشان و ارتجاع، و تلاش بخاطر اشتیاد آن منافع کاملاً متضاد و اشتی نایدیر انقلاب و ضد انقلاب، راه دیگری جز برود و یوشی بر این تضاد های اساسی جامعه ایران و منحرف ساختن مبارزات مردم به بیراهه رفو میسندند.

بورژوازی متوسط ایران نمایندگان سیاسی آن همواره چنین بود و اند. با این تفاوت که اگر در دوره های از نهضت ملی و مردم کراتیک ایران، نظیر دوره قبل از قیام تهران، وجه اصلی حرکت این بورژوازی را مبارزه بر علیه استبداد و وابستگی و همراهی عمومی با مبارزات مردم برای بدست آوردن حقوق موقت تیک و ملی تشکیل میداد، در شرایط کنونی، وجه اصلی حرکت آنرا مبارزات در انقلاب ایران و متوقف ساختن آن در زمینه راه بورژوازی تشکیل میدهد.

بنابراین برخی اقدامات در موقت تیک و ضد امپریالیستی که ممکن است توسط دولت آقای سبازگان صورت گیرد و پشتیبانی مشروط از این اقدامات، به هیچ وجه نباید وجه اصلی حرکت این دولت را که مخالفت با ادامه انقلاب و کوشش بخاطر اشتیاد آن منافع خلق و ضد خلق است ببوساند. افشای فاضح و همه جانبه ناپیکیری ذاتی دولت آقای سبازگان و موقت تیک و برابر حرکت انقلابی در موقت تیک و ضد امپریالیستی توده ستمدیده ایران از خود نشان میدهد و حملاتی که بدست آورد های انقلاب مینماید، مهمترین وظیفه نیروهای انقلابی و کمونیستی ایران در رمناسبات با این دولت است.

بدیهی است که در این راه باید از جدائی تضاد های اساسی جامعه در قیام احترام نمود. همانطور که گفتم تضاد های اساسی جامعه که امکان تضاد مردم با طبقات و نظام ارتجاعی حاکم و امیر - یالیسم است و برخورد به بورژوازی متوسط ایران نباید بیجان مبارزات مردم را از هدف اصلی آن یعنی ارتجاع ایران و امریالیسم منحرف سازد. مبارزه با ناپیکیری و سازش طلبی بورژوازی متوسط ایران و دولت آقای سبازگان تنها در صورت ادامه انقلاب در موقت تیک و ضد امپریالیستی مردم ایران و گسترش و تعمیق آن در کلیه زمینه ها و عرصه های نبرد طبقاتی امکان پذیر استین خواهد بود.

بهر حال، همانطور که اشاره کردیم دولت آقای سبازگان با حمایت بیدریغ خرد بورژوازی مرفه مسلط بر جنبش و استفاد از ضعف و برانگیختگی نیروهای کمونیستی و انقلابی ایران و جدائی آنها از توده مردم کوشش میکند تا شدت مبارزه طبقاتی در ایران را بر سرعت تخفیف داد و انقلاب ایران را در زمینه راه متوقف سازد. حملاتی که چه از جانب این دولت و چه از جانب "کمیته های امام"، بر علیه دستاوردهای انقلاب نیمه تمام مردم آغاز گردیده است و تلاش که برای از میان برداشتن یا محدود ساختن نهاد های موقت تیک جامعه انجام میگردد همه نشان دهنده اتخاذ چنین سیاستی از جانب اینان است. با این حال، عوامل متعدد و گوناگونی در رهنه نبرد طبقاتی جامعه ایران موجودند که برخلاف مسیر سیاست یاساد شده تاثیر گردارد و چه بسا حرکت بنامه بسوی تعمیق و گسترش مبارزه انقلابی را ممکن گردانند. از مهمترین این عوامل، تضاد میان موقت تیسیم بیکر و انقلابی توده ستمدیده ایران و سازش طلبی و مماشات جوئی دولت و رهبری است.

مقاومت سرسختانه مردم بر علیه متحدین دامن د موقت تیک و تضعیف و از میان برداشتن نهاد های موقت تیک که در طول یکساله اخیر، بویژه ماههای آخر رژیم سلطنتی، شکل گرفته بودند و حرکت محافظه کارانه دولت در مورد سرکوب عوامل ضد انقلاب و برجیدن موسسات نظامی، پلیسی و اداری رژیم سلطنتی از هم اکنون طبقات مختلف جامعه و دولت را با تضاد های نویینی در همه زمینه ها مواجه ساخته است.

بهمان سرعتی که دولت آقای سبازگان افسران خود کامه و مرتجعی نظیر فرمونی ها و نوروزی ها را در راس قوای مسلح سه گانه و پلیس گمارد، مقاومت سربازان و همافران و توده مردم در مقابل این انتصابات آغاز گردید و مبارزه همافران، سربازان و افسران انقلابی برای کسب حقوق موقت تیک و برحقشان گسترش و اوج یافت.

کارمندان دولت در کلیه وزارتخانه ها و ادارات بمعصومت در برابر مردم و ران رژیم سلطنتی که متأسفانه هنوز در بسیاری از ادارات باداره امور مشغولند و بخاطر تعمیق و گسترش دامنه موقت تیک، دست زد و نماند و نتوانی ناگزیر دولت در ریا سخگویی بخواستهای اقتصادی و سیاسی آنان به تشدید تضاد های موجود میان سیاستهای دولت و آنان دامن میزند.

کارگران قهرمان ایران در راه کسب حقوق در موقت تیک و اقتصاد خویش از هم اکنون برای الحین همکاری نزدیک ماموران

دولت و کمیته های امام را با سرمایه داران مشاهد نمود و آند و بحق احساس میکنند که علیرغم نقش مهم و تعیین کننده ای که در بدست آمدن پیروزیهای جنبش ایفا نمودند هنوز از کسب حقوق حقه خویش محروم مانده اند و نیازمند یک مبارزه جدی و متحدانه بر علیه سرمایه داران و نیروهای حامی آنان برای بدست آوردن حقوق سیاسی و اقتصادی خویش میباشند.

د هقانان ایران در مبارزه با یک برای مصادره زمینهای زمین - داران بزرگ آغاز گردید و دولت آقای سبازگان و مامورین "کمیته های امام" رانه در کنار خود بلکه در برابر خود یافتند و ملت های تحت ستم ایران نه فقط با رستم اقتصاد، سیاسی و فرهنگی مسیبت بار گرد شده را با تمام شدت بر شانه های خویش احساس میکنند، بلکه در برابر مبارزه برحق خود برای زدودن ستم ملی از کلیه زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از زندگیشان، بسا تبلیغات خصمانه عوامل دولتی و با همکاری نزدیک مامورین دولتی و نیروهای ارتجاعی سرزمین خود بر علیه جنبش در موقت تیک و ازاد یخواهان خود خویشتن مواجه گردیده اند.

محصلین، دانشجویان و دیگر روشنفکران نیز در راه طولانی رسیدن به آزادی و حقوق موقت تیک خویش با مقاومت های دولت و ارگانهای تبلیغاتی و اجرایی آن مواجه گردیده اند و زمان بیدار دل ایران سایه شوم فرهنگ بد رسالارانه و شسونیستی فزاینده ای را در راسان ایران احساس میکنند و در مبارزات برحق خویش برای دستیابی به آزادی و برابری کامل حقوق زن و مرد از هم اکنون با سیاستها و اقدامات ضد موقت تیک دولت و "کمیته های امام" روبرو گردیده اند.

و بالاخره مردم ایران هنوز موسسات و عوامل مختلف رژیم سلطنتی را با برجوا و بر سر کار میبینند و نفوذ نیروهای امپریالیستی را در کلیه شئون اقتصاد، سیاسی، فرهنگی و نظامی جامعه خود بروشنی مشاهده مینمایند و ناراضی عمیقی که از سیاستها دولت آقای سبازگان در رهنه جاود میان همه اقشار و طبقات مردم این جامعه در حال گسترش است مردم را بامبارزه برای ادامه انقلاب تا بورژوازی نهائی دعوت مینماید.

خلاصه کنیم، موقت تیسیم بیکر توده ستمدیده ایران و تشنگی فزاینده مردم برای استقلال کامل و آزادی واقعی و همه جانبه در کلیه شئون زندگی، در برابر توانی ذاتی دولت آقای سبازگان و ناپیکیری و لیبرالیسمی که در دنبال کردن خواستهای عادی لانه در موقت تیک و ملی مردم از خود نشان میدهد، مهمترین عامل در مقابل سیاست تخفیف مبارزه طبقاتی در زمینه راه بورژوازی است. علاوه بر این، تضاد های گوناگونی در بین نیروهای سیاسی و سیاسی - مذهبی مسلط بر جنبش و دولت وجود دارد که هر یک بگونه های متفاوتی در رخدمت تشدید مبارزه طبقاتی عمل مینمایند. مهمترین این تضاد ها، تضاد میان بورژوازی لیبرال مسلط بر دولت و خرد بورژوازی مرفه مسلط بر "کمیته های امام" است که جامعه را عملاً با یک قدرت و گانه دولتی مواجه ساخته است. "کمیته های امام" نه فقط بصورت یک قدرت دولتی در کنار دولت موقت، بلکه در بسیاری از موارد بصورت قدرت حاکمه ای مقتدر تر و مسلط بر دیگری عمل مینمایند. تضاد های این دولت و قدرت حاکمه که هم مبین برخورد رادیکال تر خرد بورژوازی مرفه بمسائل جامعه و هم ناشی از ناراضی بورژوازی لیبرال از انحصار طلبی این خرد بورژوازی است، طبیعتاً نمیتوانند در سیر تکامل پیشرفت جنبش بی تاثیر باشند.

بعلاوه، هم در میان لایه های مختلف بورژوازی متوسط و هم در میان لایه های مختلف خرد بورژوازی تضاد های مختلف وجود داشته اند که رفته رفته در سیاستهای متفاوت نمایندگان سیاسی و سیاسی - مذهبی آنان تجلی اشکارتری مینمایند. تضاد های درون "جبهه ملی" و شکافهای عمیق سیاسی درون آن و تضاد ها و سیاستهای متفاوتی که میان "کمیته های امام" و کمیته های مربوط بحضرت آیت العظمی و نیز سازمان مجاهدین خلقی ایران نسبت با وضع عمومی ایران و برخورد طبقات مختلف دولت پرور گردانند، نشان دهنده تعمیق تضاد های میان جناحهای مختلف بورژوازی متوسط در مورد اولی و لایه های فوقانی و میانی خرد بورژوازی و تحتانی ترین لایه های این طبقه در موارد ذکر شده دیگر است.

مجموعه این تضاد ها، شدت یابی آنها و تاثیر متقابل که در زنجیر طبقاتی جاری در جامعه خواهند داشت، هر چه باشد، مسلمان رجعت تخفیف شدت این مبارزه نخواهد بود. عامل مهم دیگری که در تشدید مبارزه طبقاتی در جامعه وادامه انقلاب تا بورژوازی نهائی موثر است، عامل گروهها و سازمانهای انقلابی و کمونیستی ایران است. مقاومتی که این گروهها و سازمانها در برابر فرونشاندن نهضت در موقت تیک و استقلال طلبانه توده ستمدیده ایران از خود نشان دادند و نقش مهمی که در راکاه ساختن مردم به خطرات عظیمی که انقلاب ایران را تهدید به توقف در زمینه راه و ناکامی مینمایند ایفا نمودند، مبین اهمیت نقش آنان است. طبیعی است که این نیروها، بویژه جنبش کمونیستی ایران، در رهسورتیکه به برانگیختگی روزی خویش پایان دهند و با توده زحمتکش جامعه بیوند یافته و بحرکت بیکر این توده در راه د موقت تیک و استقلال ستم دهنده قان درخواهند بود که نیروی عظیم - امام در شرایط حاضر بالقوه - خود را بمنصه ظهور رسانند.

و بالاخره، عامل دیگری که در تشدید مبارزه طبقاتی در جامعه نقش دارد، تشدید تضاد میان کلیه نیروهای مردمی از یکطرف و ارتجاع و امپریالیسم از طرف دیگر است. ما به هیچ وجه دچار این توهم نیستیم که انقلاب ایران به پیروزی نهائی بر علیه نیروهای ارتجاع و امپریالیسم دست یافته است. نه ها، نه ها، نه ها.

یادداشت‌هایی ...  
نفوذ بسیار زیادی در کلیه شئون جامعه را هستند و بسیاری از نیروهای قهریه و ضربتی آنان دست نخورد به باقی ماندن است. طبیعی است که هر قدر ملی و مکرراتیک دولت و هر حرکت مبارزاتی مردم با مقاومت این نیروها روبرو خواهد شد و با تلاشی که از جانب امپریالیسم و ارتجاع برای سازماندهی مجدد نیروها یسان صورت میگیرد، این مقاومت در آینده و روبرویی خواهد شد. کسبک‌های اجتناب ناپذیر ایند و مبارزات طبقاتی و اقشار مختلف مردمی جامعه علی‌الحد این نیروها، در وجود شرایط مساعد، میتواند سرعت به تحقیق مبارزه طبقاتی و روند و تکامل انقلاب ایران بیانجامد.

بهر حال، چنانکه از همین مختصر میتوان برداشت نمود، همراه با رشد تضاد های طبقاتی و گرایشات مختلف سیاسی در جامعه ما، از این پدیده‌ها مرز بندی‌های طبقاتی در رون جنبش‌ها و مبارزات ترخواهد کرد و جنبش‌ها نه فقط از لحاظ مضمون، بلکه از لحاظ شکل نیز رنگ سیاسی - طبقاتی روشن خواهد یافت. در چنین سیری، تجزیه اجتناب ناپذیر برخی از نیروها، بویژه نیروهای مختلفی که تا این هنگام تحت لوای واحد اسلام و رهبری واحد حضرت ایت‌الله خمینی مبارزه نمودند، تسریع خواهد کرد و عموماً از آن، شرایط نزدیک، همکاری و وحدت نظریس از پیش برخی دیگر از نیروها، بویژه نیروهای مارکسیستی-لنینیستی و دیگر نیروهای انقلابی، فراهم تر خواهد شد. تکیه این تجزیه‌ها و نزدیک‌ها، تا آنجا که به جنبش عمومی مکرراتیک و استقلال طلبانه مردم مربوط میگردد، بیشتر و بیشتر بنسب و سیاست و برنامه‌های مختلف ملی و مکرراتیک در ورخواهد زد که نیروهای طبقاتی مختلف ارائه خواهند داد.

سوف برآید و خویش و ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران تا مهای سریع و سازنده‌های را بردارد. هر گاه این موقعیت را نیز از دست بدهیم، ایند و جنبش خویش مردم را تیره ساخته ایم. زیرا چگونگی سرنوشت انقلاب و مکرراتیک و استقلال طلبانه مردم ایران از این پس، جز از طریق نقش و میزان تاثیر جنبش کمونیستی ایران در این انقلاب تعیین نخواهد شد.

خواسته‌های ما

۹- برسمیت شناختن و تقویت کلیه کمیته‌ها، اتحادیه‌ها و سازمانهای توده‌های وزارتخانه‌ها، ادارات، موسسات دولتی و خصوصی، آموزشگاهها، مدارس و دانشگاهها ... که مبارزات اخیر این موسسات را هدایت کرده‌اند و شرکت این ارگانها در کلیه تصمیماتی که به زندگی و کار کارمندان آنها مربوط میگردد و نظارت آنان بر امور مدیریت این موسسات.

۱۰- تأمین آموزش همگانی و رایگان (واجب) به مدت ۱۲ سال) برای همه مردم ایران و تجدید نظر اساسی در کلیه برنامه‌ها و کتب آموزشی و تدوین یک برنامه د مکرراتیک و مرفقی آموزشی متناسب با نیازمندیهای جامعه ایران.

۱۱- اجرای با برنامه صنعتی ساختن کشور با تأکید بر صنایع سنگین و مادر و بی نیاز سازی کشور از صنایع و محصولات خارجی، و کمک به احیای بخش کشاورزی ایران و بی نیاز سازی کشور از مواد اولیه کشاورزی.

۱۲- خواسته‌های مشخص برای طبقات و اقشار گوناگون جامعه:

الف: برای کارگران:

- تدوین یک قانون کار عادلانه و اجرای آن تحت نظارت مستقیم کمیته‌ها و اتحادیه‌های کارگران.

- آزادی ایجاد سندیکاها و دیگر سازمانهای کارگری بدون دخالت دولت یا "کمیته‌های امام" یا عوامل وابسته به آنها.

- به رسمیت شناختن حق اعتصاب.

- به رسمیت شناختن اتحادیه‌ها و دیگر سازمانهای توده‌های کارگری بعنوان ارگان‌هایی که در اتخاذ کلیه تصمیمات مربوط به زندگی و کار کارگران شرکت داشته و نظار بر مدیریت و دخل و خرج کارگاهها و کارخانه‌ها میباشند. - شش ساعت کار در هفته و دو روز تعطیل هفتگی و استفاده از تعطیلات سالیانه با پرداخت مزد.

- استفاده رایگان کارگران و خانواده‌های آنها از کلاسهای سواد آموزی و آموزش سیاسی.

- استفاده کارگران از مزایای یک بیمه اجتماعی و بهداشتی مرفقی و مجانی.

- تأمین مسکن برای کارگران و خانواده‌های آنها و سرویس آب و زهاب مجانی.

ب: برای دهقانان:

مصادره کلیه زمینهای مالکین ارضی، و در مرکز آن زمینهای دربار پهلوی و وابستگان بان، مصادره زمینهای شرکتی وابسته کشت و صنعت و مصادره زمینهای شرکتی سهامی زراعی به نفع دهقانان و تحت نظر مستقیم انجمنها یا شوراهای دهقانی، لغو کلیه مالیاتها، اقساط، عوارض و اقساط دهقانان و تضمین زمین، آب و وسائل کشاورزی برای کلیه دهقانان و حمایت از محصولات دهقانی در بازار داخلی.

با نگاهی کوتاه به برنامه‌های فوق به تفاوت کیفی که میان جمهوری دموکراتیک که طبقه کارگر ایران خواهانش میباشند با جمهوری اسلامی "یا جمهوری دموکراتیک اسلامی" که انای بازرگان و یارانانش خواهان آنند پی برد. اولی خواهان ادامه انقلاب، در هم کویدن کلیه بقایای طبقات ارتجاعی، بیرون راندن کامل امپریالیستها و نابودی کامل نوکرانشان از ایران و تکیه به ارگانها و موسسات توده انقلابی است حال آنکه دومی خواهان توقف انقلاب در نیمه راه، انجام پارهای رفرم‌های سطحی و روپنایی، احیای مجدد موسسات ارتجاعی گذشته همچون ارتش و تکیه به آن است. اولی خواهان تشدید مبارزه طبقاتی بر علیه دشمن خلق است ولی دومی خواهان تضعیف این مبارزه است. اولی خواهان نابودی زود و ران امپریالیسم و سپردن قدرت بدست مردم است، حال آنکه دومی تا پنج بخشهای جلادی از قماش سرلسرگرقنی‌ها را در راس ستاد "ارتش ملی اسلامی" قرار میدهد و سررشته امور را بدست او می‌سپارد. اولی خواهان مصادره و ملی نمودن کلیه بانکها و موسسات امپریالیستی است حال آنکه سخنگویان دومی بانگ بر می‌آورند که "ملی کردن بانکها مطرح نیست" (از سخنان رئیس کل بانک مرکزی). اولی میگوید قرنی‌ها دشمنان انقلاب و نوکران استعمارند و دومی میگوید گلسرخ‌ها و دانشیان‌ها و روزبه‌ها عمال استعمارند. اولی بخاطر در خواستها و برنامه‌های انقلابی خود فقط میتواند به پشتیبانی توده زحمتکش درآید، حال آنکه دومی بخاطر وحشتناک از انقلاب و زیر و رو شدن این نظام کهن مجبور است به اقشار مرفهتر جامعه و امپریالیسم و اهر-

مهای قدرتش تکیه کند و ...

آری چنین است و راه کاملاً متضادی که در برابر انقلاب ناتمام مانده ایران قرار دارند. پس بسایند بهوش بود.

تعمین ...  
بخش دیگری ... و مواد رست، بحالت همین مشارکت در رتد و پس طرح مقدماتی ائتلاف، این طرح شامل یکسری نظریات انتقادی و ضد و نقیض نردید است و با آنکه در برخی نکات خود از ائتلاف سیاسی - ایدئولوژیک - عملی صحبت میکند، آنجا که بطرح مشخص وظایف و مبنای ائتلاف میرسد - رباره بهمان انحراف "ائتلاف مکرراتیک" در غلغله و اعلام میدارد که: "از اینرو پیشنها ما برای تسریع فعالیت برای ایجاد حزب و نیز موثرتر نمودن مبارزه کمونیستها در اوضاع و احوال کنونی، ایجاد یک نوع ائتلاف سیاسی - عملی میان سازمانها، گروهها و محافل کمونیستی است." (طرح مقدماتی ائتلاف ماده ۷)

در "اعلانیه هیئت تحریریه نشریه آزادی" نیز دقیقاً با همین مضمون و شکل طرح قضیه روبرو میگردد. در این "اعلانیه" نیز بجای مبارزه بخاطر وحدت جنبش کمونیستی در کلیه زمینه‌ها و همکاری و احیای ائتلافاتی مبتنی بر اصول ایدئولوژیک لان و سیاست و برنامه مشترکی که بتواند در خدمت این مهم قرار گیرد، تزانحرانی ائتلاف بر مبنای سیاست و برنامه عنوان میگردد که، بیرواضح است، جنبش ما را بجای حرکت در جهت ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر، بسوی ایجاد یک جبهه د مکرراتیک و انتقادی سوق میدهد و خوشبختانه چسبون این "اعلانیه" قبلاً توسط اینان انتشار خارجی یافته است، بهیچ وجه قابل انکار و کتمان نیست.

از این گذشته بجز این نیز از اینان انتظاری نمیتوان داشت. کسانی که یا نشان بر سر یکی از مهمترین معیارهای ایدئولوژیک همکاری و وحدت جنبش کمونیستی، یعنی مبارزه با رولیزونیسم در هر شکل و تحت هر عنوانی که مطرح گردد، میلندگ طبیعتاً نمیتوانند خواهان برقراری یکسری اصول مستحکم ایدئولوژیک در همکاریها، ائتلافات و یا وحدت نیروهای کمونیستی باشند. درست باین علت است که اینان کوشش میکنند که وضعیت کنونی جنبش را حتی المقدور تدهیم بخشند و از نزدیک ایدئولوژیک بخشهای مختلف جنبش جلوگیری نمایند تا خود نیز در این نا همگونی ایدئولوژیک محمل مناسبی بیابند. در شرایطی که جنبش ما ازیرا کندگی ایدئولوژیک خویش شدیدا در رنج است و زمینه‌های مناسبی برای دامن زدن بیک مبارزه ایدئولوژیک صمیمانه و همه جانبه بخاطر دستیابی بوحدت ایدئولوژیک - سیاسی جنبش بوجود آمده است، تزانحرانی ائتلاف د مکرراتیک یا ائتلاف بروی سیاست و برنامه هیچ معنایی جز کوشش بخاطر حفظ برآوندگی کنونی جنبش و گسترش گرایشات انتقادی در رن انرا نمیدهد.

د رباره ...  
ظاهراً مسلمان و مدافع "عدل اسلامی" مردم ایران نیز برای آنکه بتوانند با آگاهی بیشتر حکومت مورد علاقه خویش را انتخاب کنند، نیاز بدان دارند که از جمله - از برنامه‌های دقیق اقتصادی، سیاسی، و ... "جمهوری اسلامی" مطلع گردند. چه اتخاذ رأی در این مورد بدون آگاهی مردم از مضمون آن هیچ چیز جز عوام فریبی و سواستفاده از نا آگاهی مردم را معنی نمیدهد.

بنابراین برای آنکه حداقل نحوه برگزاری رفراندمی که در پیش است د مکرراتیک تر گردد:

- ۱- باید به احزاب، گروهها و سازمانهای مختلف این فرصت داده شود تا در رسانه‌های عمومی برنامه‌ها و نظریات خویش را با مردم در میان گذارند و فرصت این را بیابند که انتقادات خویش را از برنامه‌های گروههای مختلف دیگر از جمله طرفداران "جمهوری اسلامی" در سطح جامعه مطرح سازند.
- ۲- دولت موقت بجای آنکه طرح برنامه‌ها و مضمون "جمهوری اسلامی" و طرح قانون اساسی را به پسر از برگزاری رفراندم حواله دهد، موظف است پیش از برگزاری رفراندم کلیه مطالب فوق را با مردم در میان گذارد و انتقادات و اظهار نظر مخالفان این برنامه‌ها را ممکن گرداند.
- ۳- در روز انتخابات نیز مردم باید این حق را داشته باشند که به اشکال دیگر جمهوری، از جمله "جمهوری دموکراتیک مردم ایران" آزادانه رأی دهند، چرا که نحوه سوال بدان شکل که تا بحال دولت موقت مطرح نموده یعنی صرفاً "جمهوری اسلامی" کاملاً ضد دموکراتیک میباشد.

دفاع از ...  
مقدس ملی و دموکراتیک آنان، کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران و کلیه سازمانها و گروههای انقلابی و کمونیستی ایران را به حمایت کامل از این نهضت مقدس که جز انفکاک ناپذیری از انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ستم دیده ایران است دعوت مینمائیم. به جرات می‌توان ادعا نمود که همبستگی با این نهضت دموکراتیک و ملی و شرکت فعال در آن یکی از مهمترین معیارهای سنجش پیگیری، قاطعیت و صداقت هر نیروی انقلابی معتقد به دموکراسی و استقلال است.

پیروز با نهضت دموکراتیک و ملی خلق دلیر کرد و دیگر خلفهای تحت ستم ایران!

پیروز باد انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران!

د مورد ...  
پیروز باد مبارزات حق طلبانه مردم کردستان در راه کسب حقوق دموکراتیک و ملی خلق کرد!

اتحادیه کمونیستهای ایران - ۵۷/۱۲/۲۶

### تعمیق يك انحراف

اخیرا افرادی که از سازمان ما تصفیه گردیدند در شماره ۷ نشریه "حقیقت" کاتب خود با طرح قسمتهائی از مصوبه شورای سازمان مادر مورد تشریح سه جهان خواستگارانند چنین وانمود سازند که هیچگونه اختلافی در درون سازمان مادر مورد این تشریح رویزونیستی وجود نداشته است و ما سرخود بانان اتهام هواداری از این نظریه رویزونیستی رازد مایم. از سوی دیگر، اینان در همین مقاله بود رجزهای که انتشار دادند مانند کوشید هاند چنین وانمود کنند که اعتقاد یا عدم اعتقاد با این تشریح رویزونیستی هیچ ربطی بمبارزات طبقاتی جامعه مانداشته و بنا بر این تسل کنون در سیاستهای مشخص متفاتی تبارزنیافته است. پس لازم میاید که مختصرا بچوانی از این دینکته یا سخن گفته شود. ارزیابی مفصل تر انرا بفرست دیگرو جای دیگری واگد ارمیما نمیم. تمامی اعضای سازمان ما و پیروز نمایندگان که در کنفرانس های پیش از شورای قبلی سازمان و در این شورا شرکت داشتند مسلما بروشنی یاد فاعیات "انئین" سردمداران حرکت فرا-کسیونی عد مای از طرف ان تشریح سه جهان انشا بود و خوبیی بیاد میاورند که چگونه اینان در این کنفرانسها وسورابند فاع همه جانبه از کلیه جوانب این تشریح رویزونیستی می برد اختند و در این راه از هیچ تجدید نظری در موازین و آموزشهای مار-کسیستی-لنینستی ابا نمیداشتند. تا آنجا که مدعی گردیدند که با ظهور امپریالیسم روسیه دوره نوینی در مبارزات طبقاتی آغاز گردید ه است که میبایزه ملی برای رهائی از سلطه جوئی ابرقدرت شوروی را در دستور کار پرولتاریای کشورهای امپریالیستی اروپائی قرار مید هد و وحدت کشورهای امپریالیستی اروپائی را برای "مقابله" با ابرقدرت شوروی تجویز نمود ه و مبارزات لنین بر علیه شعار "ایالات متحد ه اروپا" را کهنه شده ارزیابی مینمودند. و باز مسلما همگی بخاطر د ارند که چگونه اینان رفته رفته دفاع از وحدت این کشورهای امپریالیستی و امپریالیسم امریکارا نیز در دستور کار تبلیغاتی خویش قرار دادند و خلاصه دفاع از تز جنبه واحد همه نیروها بر علیه امپریالیسم شوروی را وجهه همت خویش قرار دادند و باز مسلما همه بخاطر د ارند که . . . .

اری مسلما همه بخاطر د ارند و از جمله خود ایشان. بسا این حال در کرسی از قطعنامه یک بنام قطعنامه اقلیت شورا معروف شد و اینان بد ان رای دادند رانه برای یاد آوری بخود اینان، بلکه بخاطر آگاهی کسانی که در جریان اختلافات رونی سازمان ما قرارند اشتهاند بیفایده نمیدانیم. در این قسمت از قطعنامه مورد توافق اینان چنین آمده است: "ماد رعین حفظ مواضع خاص خود معتقدیم که تحلیل رفیق مائوتسه دن از اوضاع جهان کنونی و تقسیم بندی کشورهای امپریالیستی و نیروهای سیاسی جهان بسه بخش که به نظریه سه جهان معروف شده است به تعیین استراتژی و تاکتیک پرولتاریای جهان در مبارزه کنونی بر علیه د و بزرگترین دشمن بشریت ستم-دیده یعنی د و ابرقدرت یاری میرساند." خوب اقایان ایا شما باین قطعنامه که از یکسوا این تشریح رویزونیستی را بد ون هیچ دلیل ومد رکی بر رفیق مائوتسه دن نسبت مید هد و از سوی دیگر انرا بعنوان تشریح ایکه به تعیین استراتژی و تاکتیک پرولتاریای جهان در مبارزه کنونی بر علیه د و بزرگترین دشمن بشریت یعنی د و ابرقدرت یاری میرساند ارزیابی نمود ه است رای مثبت دادید یا خیر؟ و چون دادید، چرا عوام فربیا نه و برای ایجاد افشاش فکری در میان کسانی که اعتقادات شما بیخبرند، عقاید خود را در این مورد میپوشانید. اگر اعتقادات شما تا این درجه برایتان بی اهمیت است که میخواهید انها را تا ابد از د یگران پنهان دارید که پس چرا به انها پای بندید و اگر واقعا بانها پای بندید ایا فکر نمیکنید که هر چه انها را پنهان کنید و بد روغ ذن انها را اعلام دارید، در آیند ه در شرایط دشوارتری قرار خواهید گرفت؟

بگذریم. اما ایا نظریات رویزونیستی سردمداران این فراکسیون ضد سازمانی تا کنون هیچ تبلوری در زمینه مبارزه طبقاتی در ایران داشته است یا خیر؟ برخی بخلط چنین میند ارند که تبلور تشریح رویزونیستی سه جهان در مسائل مربوط با انقلاب ایران را صرفا و منحصر ا باید در دفاع از امپریالیسم امریکا و بورژوازی وابسته بیدان جستجو نمود. چنین تصویری نادرست است. تبارز این تشریح در عرصه مبارزه طبقاتی جامعه ما معمولا اشکال بسیار متنوع ترو پوشیده تری دارد و در اغلب مواقع، نه بد ان صورت اشکار، بلکه بشکل ارائه تحلیلهها، سیاستها و رهنمود های رویزونیستی از طبقات و نیروهای مختلف سیاسی و مناسبات میان انها جلوه مینماید.

با اولین تبارز نظریات رویزونیستی سردمداران این فرا-کسیون در تز "ائتلاف د مکرانیک" نیروهای کمونیستی ایران که اول بار از جانب اینان در شورای قبلی سازمان عنوان گردید و سپس توسط هم اینان در "اعلامیه هیئت تحریریه نشریه آزادی با صراحت کامل منعکس گردید و روبرو میگردد. در این اواخر، این افراد در اینجا و آنجا تعلق خاطر خود را باین نظریه انحرافی نیز انکار کرده اند و در "اثبات" اینکه نارای چنین نظریه ای نبود ه اند بطرحی که بنام "طرح مقد ماتئ ائتلاف" چندی پیش با شرکت اینان تدوین شده است اشاره مینمایند. در این مورد باید گفت که اول مورد نظرمان اسنادی است

### درباره رفتارندم

دولت موقت با شتاب حیرت انگیزی میجوشد تا هر چه سریعتر رفتارندمی را که قرار است شکل حکومت را تعیین نماید برگزارد نماید. بی قراری دولت موقت در سرزم نمودن این رفتارندم سوالات بسیاری را برای اقشار، طبقات، گروهها و جریانات مختلف سیاسی بوجود آورده است. خاصه آنکه برخی از رل سیاسی و رهبران دولت کنونی بطور مستقیم و غیر مستقیم به "فورمالیته" بودن و "بی تاثیر" بودن برگزاری این رفتارندم اشاره نمود ه اند. منظورمان مثلا دکتر یزدی "معاون امور انقلاب" است که در یکی از مصاحبههای خود با روزنامه نگاران خارجی اظهار نموده بود که از آنجا که هم اکنون دولت های مختلف جهان "دولت موقت انقلابی" را به رسمیت شناخته اند دیگر حتی برگزاری رفتارندم ضرورت خویش را از دست داده است. تو گوئی که دلیل اصلی برگزاری این رفتارندم نه انتخاب آگاهانه مردم در مورد شکل حکومت مورد علاقه شان، بلکه جلب شناسائی گانگسترها و جنایتکارانی از قبیل کارتر، ژنرال دستن و برژنف بوده است. یا باز میتوان به اظهارات مشابه آقای آیت الله طالقانی اشاره نمود مبنی بر اینکه رفتارندم اساسا انجام گرفته و فقط برای اینکه بهانه بدست خرد گیران و مغرضان داده نشود و به رحال معیار-های بین المللی نیز زیر پا گذاشته نشوند برگزاری رفتارندم "ضروری" است.

هل دادن عجلوانه مردم بسوی صندوقهای رای و آئیم برای تصمیم گیری پیرامونیک مسئله بسیار حیاتی که مردم ما سالیان دراز در انتظارش بودند و بخاطرش از خود گذشتگیها بسیار نموده و متحمل قربانیهای بسیار گشته اند، نه تنها صحیح و مفید بحال جامعه نمیاید بلکه همچنین تبلور دیگری است از سیاستهای ضد د مکرانیک دولت موقت کنونی. اری بر راستی چرا حکومت کنونی که در انجام برخی اقدامات مثلا دستگیری و مجازات بسیاری از مزدوران و جنایتکاران رژیم پهلوی صبر و شکیبائی غیر قابل تصویری از خود نشان داده است در مورد مسئله های با چنین اهمیت، بی قراری بسیار از خود نشان میدهد و میخواهد بقول معروف مسئله را هر چه زودتر سمبل کند.

مردم با عجله بسوی صندوقهای رای هل داده میشوند و تازه در پای صندوق نیز فقط میتوانند و آزادند "که به" جمهوری اسلامی" و یا به "رژیم سلطنتی" رای دهند! برگزاری رفتارندم بدین شکل دارای چند اشکال اساسی است. اول آنکه، مردم ایران رژیم سلطنتی را سرنگون ساخته اند و قرار دادن آن بمنایه بی از د و انتخاب ممکن هم به معنی پایمال کردن دستاورد های بزرگ جنبش مردم ایران است و هم به معنی بستن دست و پای کسانی که از موضعی انقلابی با سیاستها و برنامه های دولت کنونی و "جمهوری اسلامی" آینده که ماهیتا از ان متفاوت خواهد بود، مخالفت میکنند. اکثریت قریب به اتفاق "جمهوری اسلامی" کسانی اند که خواهان یک جمهوری واقعا د مکرانیک و ملی بوده و مخالفشان با "جمهوری اسلامی" نیز بخاطر نا روشن بودن، مبهم بودن، غیر د مکرانیک بودن و قاطع نبودن در مقابل دشمنان خلق است. حال آنکه برخی از سخنگویان دولت میکوشند به مردم چنین وانمود کنند که همه کسانی که مخالف "جمهوری اسلامی" نا روشن و مبهم ایشانند یا طرفداران رژیم سلطنتی اند و یا عمال جمهوریهای امپریالیستی. این گونه تبلیغات فقط و فقط اوج عوام فریبی مدافعین "جمهوری اسلامی" را مینمایند.

دوم آنکه، اگر دولت کنونی ادعای طرفداری از د مکراسی را مینماید، اگر دولت کنونی واقعا برای خون شهدائی که در راه سرنگونی رژیم سلطنتی جان باخته اند ارزشی قائل است باید این فرصت را مهیا سازد که سازمانها، گروهها و شخصیتهای مختلف نظرات و برنامه های خویش را از طریق روزنامهها، رادیو و تلویزیون به مردم ارائه دهند و بر سر اختلافات با یک دیگر به بحث بپردازند تا مردم خود بتوانند با آگاهی و اختیار بیشتر، رای خویش را به صندوقها بیاندازند حتی در فاشیستی ترین و ارتجاعی ترین نوع جمهوری-مثلا ترکیه - هم احزاب مختلف و هم توده مردم از چنین حقی بر-خوردارند و حال آنکه به نظر میرسد که در جمهوری "عادل اسلامی" هم احزاب و هم توده مردم از این حق د مکرانیک خویش محروم شوند!

سوم آنکه، رفتارندم به نحوی که قرار است برگزار گردد مردم را مجبور به دادن رای به شکل حکومتی میکند که خالی از هر گونه محتوی است. مردم باید بدانند که محتوی و برنامه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و... این "جمهوری اسلامی" چیست تا بتوانند به آن رای دهند یا ندهند. آنچه "جمهوری اسلامی" را از "جمهوری د مکرانیک مردم" یا از "جمهوری سوسیالیستی" مجزا و متمایز میسازد در حله اول اسم و نحوه نام گذاری آنان نبوده بلکه در درجه اول در برنامه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و... متفاوت این اشکال مختلف جمهوری است. اری جمهوری داریم تا جمهوری. از امریکائی امپریالیستی گرفته تا شوروی سوسیال-امپریالیستی، از آلبانی سوسیالیستی گرفته تا حکومت فاشیستی عراق همگی ظاهرا جمهوری اند. هم مصر دوران ناصر، این دست خلق ستم دیده فلسطین، جمهوری بود و هم مصر سادات فاشیست-این دست خلق خنده خورده فلسطین، جمهوری است و هر دو هم

اعلامیه زیرین توسط سازمان ما در باره فعالیتهای ضد د مکرانیک و ارتجاعی برخی از نیروها در کردستان انتشار یافته است.

### در مورد رویداد های اخیر کردستان

اخیرا در کردستان فعالیتهای تفرقه افکنانه، ضد د مکرانیک و ارتجاعی وسیعی بر علیه نیروهای انقلابی و د مکرانیک و نیز بر علیه مارکسیست-لنینیستهای کردستان صورت گرفته اند که نمیتوانند خشم و نفرت کلیه ایرانیان - از ادیخواه و میهن پرست و همه نیروهای خواهان د مکراسی و استقلال را بر بیانگیزند. از جمله این اعمال ضد د مکر-انیک و ارتجاعی تهاجم مسلحانه به مقر "جمعیت راه رهائی زخمکشان" در مهاباد توسط برخی از نیروهای "اسلامی" و به تحریک عوامل ارتجاع در محل و به گلوله بستن این محل که تا کنون د و بار تکرار گردیده است، حمله مسلحانه به مقر "جمعیت دفاع از زخمکشان و حقوق ملی خلق کرد" در بوکان توسط همین نیروها و تخریب قسمتهائی از این محل و غصب قهری ان، حمله به چند کتابخانه و آتش زدن کتابخانهها و منازل انقلابیون در میاندواب، تهاجم مسلحانه به مقر "سازمان چریکهای فدائی خلق" در انه و پیرانشهر توسط نیروهای ارتجاعی بومی و بالاخره تهاجم مسلحانه به نمایشگاه عکس و کتاب در اشونیه و به آتش کشیدن کتابها و عکسهای ان، از جمله عکس قاضی محمد رهبر جنبش د مکرانیک کردستان در سالهای ۲۵-۱۳۲۴ با همکاری مشترک این نیروهای "اسلامی" و مزدوران ارتجاعی بارزانیها را میتوان نام برد.

این اعمال ضد د مکرانیک و ارتجاعی که توسط برخی از نیروهای متعصب و کوته بین و با همکاری نیروها و عوامل ارتجاعی و به نام "مخالفت با کمونیسم" و "حفظ اسلام" صورت گرفته اند در واقع در تندوم فعالیتهای دیگری از اینگونه در کردستان و دیگر نقاط کشور بوده و خطرات عظیمی را متوجه انقلاب د مکرانیک و استقلال طلبانه مردم ایران نموده اند.

متأسفانه مدتی است که برخی از نیروهای متعصب و کوته بین بر علیه نیروهای مخالف خود به بدترین شیوههای ترور و اختناق روی آورده و همه اعمال خود را تحت عنوان "مخالفت با کمونیسم" و "حفظ اسلام" توجیه مینمایند. ایراد بدترین اتهامات و دشنامها نسبت به جنبش کمونیستی ایران و دیگر بخشهای انقلابی جنبش مردم و استفاده از شدیدترین تهدیدات بر علیه کمونیستها و دیگر انقلابیون ایران، نه در گذشته تاریخی و نه در حرکت کنونی چندان تازگی ندارد. از آغاز سلطنت رضا خان قلدر تا تاخت و تاز جوجه فاشیستهای ایرانی حزب "سومکا" و از کودتای ۲۸ مرداد سازمان سیا در ایران تا سرنگونی رژیم سلطنتی، مارکسیست-لنینیستها همواره مورد شدیدترین پیگرد ها قرار داشته اند و در سخت ترین شرایط مبارزه مخفی به تلاش بی وقفه خویش بخاطر استقلال ایران و استقرار د مکراسی ادامه داده اند. آنچه تازگی دارد اولاهمدشائی تاسف بار برخی از افراد متعصب و کوته بین با نیروهای ارتجاعی در ادامه این سیاست ترور و اختناق است که بعلت بدآموزیهای برخی از رهبران نشان به آسانی توسط نیروهای ارتجاعی به بدترین رفتارهای تفرقه افکنانه، ضد د مکرانیک و ارتجاعی تحریک می-گردند و دوما تعمیم این شیوه اتهام، تهدید و سرکوب به هر نیرو یا حرکتی است که ذره ای از سیاست، برنامه و راه و روش دیکته شده ای آنان عدول نماید.

تاسف بارتر اینکه این نیروها در راه سرکوب کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی ایران و حرکتهای د مکرانیک و ملی توده های مردم حتی از همکاری و نزدیکی با بدنام ترین نیروهای ضد ملی و ضد د مکرانیک نیز خوداری مینمایند. مردم در بسیاری از نقاط شاهد همکاری این نیروها و برخی از کمیته های امام با مالکین بر علیه دهقانانی که زمینهای آنان را مصادره کرده اند و همکاری آنان با سرمایه داران بر علیه جنبش کارگری و فعالین ان و نظایران در مورد حرکتها و خواسته های د مکرانیک دیگر اقشار و طبقات مردم بود ه اند. با این حال نمونه های از این اعمال ضد د مکرانیک و ارتجاعی که اخیرا در کردستان روی داد، و هم از این لحاظ که اشکارترین نوع تخطی از اصول د مکراسی و روی آوردن به سرکوب قهری جنبش مردم توسط این نیروها را باز مینمایند و هم بخاطر آنکه مبین درجه عمقان گسیختگی این نیروها و سمت و سوی تکامل حرکت آنان است، دارای اهمیت ویژه ای میباشند. ما امیدواریم که این رویداد های ضد انقلابی هشدار یابند به کلیه نیروها و افرادی که در راه د مکراسی و استقلال ایران مبارزه میکنند و نیز به ان دسته از "رهبرانی" که بجای آگاه نمودن مردم و پیوستن انقلابی آنان در ادامه انقلاب د مکرانیک و ضد امپریالیستی ایران، تمام نیروی خود را صرف سوءاستفاده از نا آگاهی بخشهای از مردم و اشاعه افکار ضد کارگری، ضد د مکرانیک و ضد کمونیستی در میان آنان مینمایند.

پیروز باد وحدت انقلابی د مکرانیک و ضد امپریالیستی کلیه خلقهای ایران!